

استفاده از لذت ها و نعمت ها با رعایت تعادل بین دنیا و آخرت^۹

آیت الله العظمی مدرس در نهمین جلسه تفسیر سوره انسان با توصیه به رعایت تعادل بین دنیا و آخرت به استفاده بهینه از لذت ها و نعمت ها تاکید کردند. همچنین معظم له ضمن نکوهش صومعه نشینی و دوری از دنیا به تبیین علل روابط و لذت های نامشروع و راهکار جلوگیری از آن پرداختند.

بسم رب المهدی(عج)

نهمین جلسه تفسیر و تدبر در قرآن آیت الله العظمی «سید محمدتقی مدرس» مفسر تفسیر هجده جلدی "من هدی القرآن (هدایت)" بامداد امروز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ برابر با نهم ماه مبارک رمضان در دفتر تهران ایشان با محوریت تفسیر آیات شانزدهم تا هجدهم سوره انسان برگزار شد.

فقیه قرآنی آیت الله العظمی مدرس در این جلسه با اشاره به آیات فوق که خداوند متعال می فرماید: « وَ يَطَّافُوا عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضِّهِ وَأَكْوَابِ كَانَتٍ قَوَارِيرًا ۝۱۵ قَوَارِيرٍ مِنْ فِضِّهِ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ۝۱۶ وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ۝۱۷ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا ۝۱۸ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّطُونَ إِذَا رَأَى يَتَهُمْ > سَبِّتَهُمْ لَوْلُؤًا مَذْثُورًا ۝۱۹» به بیان لذت ها و نعمت های بهشت پرداختند.

برخی موضوعات مطرح شده توسط معظم له در این جلسه عبارتند از:
مراتب لذت های دنیا و بهشت، علت رفتن سمت لذت های نامشروع، توصیه به استفاده بهینه از نعمت ها و لذات دنیوی، نکوهش از صومعه نشینی و دوری از دنیا، لزوم رعایت تعادل بین دنیا و آخرت، بزرگترین لذت در دنیا و آخرت، حکایت برخی درویش با اسکندر مقدونی، چگونگی دعا کردن و چه چیز را از خدا خواستن،

اینک در ادامه مشروح بیانات معظم را تقدیم شما معارف جویان عزیز که امکان شرکت در این جلسه را نداشتید، می‌گردد. و یادآور می‌شود، این جلسات هر بامداد ماه مبارک رمضان در دفتر تهران معظم له در حال برگزاری است و هر سحر حدود ساعت ۲ بامداد از شبکه سوم سیما پخش می‌شود.



مشروح بیانات معظم له در این جلسه به شرح زیر است:

لذت‌ها و نعمت‌های بشر در این دنیا مراتبی دارد و اگر کسی بتواند از لذت‌ها و نعمت‌های الهی استفاده بهینه کند مستغنی می‌شود از لذت‌ها و یا شهوت‌های دیگر که او را در راه‌های اشتباه سوق بدهد

علت رفتن سمت لذت‌های نامشروع و راهکار جلوگیری از آن

کسانی که دنبال لذت‌های غیر مشروع از جمله فساد اخلاقی و یا به ابتلا به مواد مخدر هستند، و یا یک حرکات غیر مشروعی را انجام می‌دهند، مشکل اساسی این افراد در این است که این افراد از لذت‌های مشروع استفاده بهینه نکردند و این افراد نتوانستند از لذات مشروع استفاده کنند، بنابراین سمت لذت‌های نامشروع رفته‌اند و یک راه و روش غلط را انتخاب کرده‌اند، که در این راه نامشروع هرگز به نتیجه مطلوب نخواهند رسید.

بهره‌مندی مومنین از همه لذات و نعمات الهی

حالا برعکس این افراد که سمت لذت نامشروع رفته‌اند، مومنین هستند. مومنین در راه لذت، راه صحیح را انتخاب کرده‌اند و در راه لذت

مشروع گام نهاده اند. و در این راه لذت مشروع، آنها بیشتر از بقیه لذت برده اند و از همه نعمت های الهی بهره مند شده اند.

نمونه ای از متاع و لذات دنیوی

خداوند در سوره آل عمران به متاع های دنیایی اشاره و می فرماید: « زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْأَفْضَىٰ لَهُ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّاهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ »؛ (مردم را حبّ شهوات نفسانی، از میل به زنها و فرزندان و همیان هایی از طلا و نقره و اسبهای نشان دار نیکو و چهارپایان و مزارع در نظر زیبا و دلفریب است، (لیکن) اینها متاع زندگانی (فانی) دنیا است و نزد خداست منزل بازگشت نیکو. آیه ۱۴ سوره آل عمران)

خداوند می فرماید این لذت هایی که هست، اینها متاع است؛ یعنی لذت و معنی دیگر ابرار است. به دلیلی که وقتی بشر بعد از خوراک و خواب، به فکر تشکیل خانواده و بچه دار شدن و تامین آینده اش می افتد و حتی به فکر جمع کردن طلا و نقره که در آینده از آن بهره مند شود، می افتد. اما نمی داند که اینها، متاع و ابزاری برای دنیا است، در صورتی که اینها هیچ کدام لذت نیست.

تاکید آیات و روایات بر استفاده از نعمات و لذات دنیا برای آخرت

پس ما در دنیا باید اولاً این مراتب لذات را طی کنیم و اشکالی هم ندارد که از این لذات دنیا استفاده کنیم. در این باره قرآن هم می فرماید: « رَبِّ نُنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً »، (خدایا ما را از نعمتهای دنیا و آخرت هر دو بهره مند گردان- آیه ۲۰۱ سوره بقره)؛ همچنین آقا امیرالمومنین(ع) نیز می فرمایند: « و وَاَحِدٌ فَازَ بِرِكْلَتَيْهِمَا قَدْ جَمَعَ الدُّنْيَا مَعَ الْآخِرَةِ ° »

(عنه عليه السلام - في الدنيا المَنسوبة إليه - أربَعَةٌ ° في النَّاسِ مَيِّزَتُهُمْ ° أحوالُهُمْ مَكشوفَةٌ ° ظاهِرَةٌ °، فَوَاحِدٌ دُنْيَاهُ مَقبوضَةٌ ° تَتْبَعُهَا آخِرَةٌ ° فَآخِرَةٌ °، وَوَاحِدٌ دُنْيَاهُ مَحْمودَةٌ ° لَيْسَ لَهُ ° مِنْ بَعْدِهَا آخِرَةٌ °، وَوَاحِدٌ فَازَ بِرِكْلَتَيْهِمَا قَدْ جَمَعَ الدُّنْيَا مَعَ الْآخِرَةِ °، وَوَاحِدٌ مِنْ بَيْنِهِمْ ضَاعَ ° لَيْسَ لَهُ ° دُنْيَا وَلَا آخِرَةٌ ° / امام علی علیه

السلام - در دیوان منسوب به ایشان می فرماید: مردم را به چهار دسته متمایز می کنم که دارای چهار حالت آشکار و نمایان اند: یکی دستش از دنیا تهی، امّا دارای آخرتی افتخارآمیز است. یکی دنیایش پسندیده امّا از آخرت، محروم است. یکی به هر دو رسیده و دنیا را با آخرت، گیرد آورده است. و یکی هر دو را از دست داده و نه دنیا دارد، نه آخرت. - **الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام :** (ص ۲۷۲ الرقم ۱۹۵)؛

و اصحاب قارون نیز به او گفتند: « **وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ** **الدَّيْنَةَ الدَّارَ الْآخِرَةَ** **وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ** **الدُّنْيَا** ». (در آنچه خدا به تو عطا کرده است سرای آخرت را بجوی، و سهم خود را از دنیا فراموش مکن. آیه ۷۷ قصص).

لزوم برقراری تعادل بین دنیا و آخرت / نکوهش از صومعه نشینی و دوری از دنیا

ما یک تعادلی با ید بین دنیا و آخرت برقرار کنیم. آنهایی که می گویند ما دنیا را نمی خواهیم و فقط سمت آخرت می روند، در یک دست اندازهایی گرفتار می شوند. ببینید این آقایان کشیش ها و صومعه نشین ها به چه مشکلات زیادی مبتلا شدند؟ وحتى قضایایی درباره کارهایشان پخش شده است!

نکوهش پیامبر(ص) از فردی که از دنیا دوری کرد!

در زمان پیامبر (ص) کسی بچه اش فوت کرده بود و بعد از فوت بچه اش سر به کوه و بیابان گذاشت و مشغول عبادت شده و گفت من دیگر فقط به فکر آخرت هستم و دنیا دیگر بدرد نمی خورد! پیامبر(ص) وقتی با خبر شدند به او گفتند: آیا بر سنت من هستی؟ آن مرد هم پاسخ داد: بله! پیامبر(ص) فرمود اگر بر سنت من هستی، من هم ازدواج کردم، و هم شب می خوابم، و هم اینکه یک روز روزه می گیرم و یک روز روزه نمی گیرم. می بینید که پیامبر(ص) هم تعادل بین دنیا و آخرت را رعایت می کردند و این برقراری تعادل بین دنیا و آخرت خیلی مهم است.

استفاده بهینه از لذت ها

پس این طور نیست که از دنیا دور کرد، بلکه باید از لذت ها استفاده بهینه کرد. حتی همین آب و غذایی که می نوشید و میل می کنید را خوب و با لذت بخورید. حتی در همین آب خوردن ۳۰ برنامه و

ادب وارد شده است، همچنین در دیگر مسائل زندگی نیز چنین است. پس سعی کنید در همه اینها را با بهترین وجه استفاده کنید.

در کارهای دنیا نگاهتان به پایین و در نگاه به آخرت نگاهتان به بالا باشد

تازه این یک مرحله است و باید فکر مرحله بعد آن باشیم و آن این است که انسان لذت ببرد که عافیت دارد و مثل دیگران نیست. این هم مهم است. در روایات ما فرمودند که نگاهتان در دنیا به پایین باشد و در مسائل آخرت نگاهتان به بالا باشد. مثلاً اگر یک شب بلند شدید و نماز شب خواندید، نباید به این نماز شب خواندن خود نسبت به دیگران که خوابند مباحثات کنید! در صورتی که باید فکر کنید که کسی قبل از شما بوده که از شما زودتر بیدار شده و العفوهای او بهتر و بیشتر از شما بوده است.

فردی به امام زین العابدین(ع) عرض کرد که تا چه زمانی می خواهید این قدر گریه و طاعت کنید؟ امام نیز در پاسخ فرمودند کتاب را بیاورید و گفتند این میزان عبادت های جدمان آقا امیرالمومنین(ع) بوده است و من چقدر تا عبادت ایشان فاصله دارم و معلوم نیست چه زمانی به ایشان برسم. پس معلوم می شود ایشان در راه جدشان قدم بر می داشتند.

تفکر به چیزهایی که باعث لذت می شود!

از آن طرف فکر کنید که چقدر از مردم در مریضی و ابتلا هستند و حتی برخی نان شب هم ندارند، و عده ای هم قبل از شما فوت کرده اند ولی شما اکنون زنده اید و این مشکلات را ندارید، فکر کردن به چنین چیزهایی باعث لذت می شود و این خودش نوعی لذت است.

نشان دادن خانه های اهل بهشت در جهنم و برعکس آن

خدا شخصا به بهشتیان توجه می کند و به آنها می گوید: شما اولیاء من هستید و مرا اطاعت کردید، پس امروز هم در مهمانسرای من در بهشت آمدید و در نزدیکی من زندگی می کنید. همین که بهشتیان در نزدیکی خداوند زندگی می کنند، خودش نعمتی بزرگ است. بعد خداوند خطاب می کند آیا از این که شما در جای بهتری هستید، به شما بگویم یا نگویم؟ و خداوند می خواهد جاهای آنها را در دوزخ نشان بدهد و بگوید که اگر اطاعت مرا نکرده بودید، این منازل شما بود.

در این باره خواجه شعری دارد که ظاهراً قشنگ نیست، به نظر من یک نوع ترفندی است که می گوید:

تو را □□ گوشه‌ی دوزخ عمارت‌یست *** جنت اگر نصیب □□ شد، شد؛ نشد،
نشد

البته یقیناً خواجه به این عقیده نداشته که بهشت جایی نیست که زود بگذریم و دوزخ را زود قبول کنیم، بلکه می خواسته به کسانی که چنین هستند طنزی بگوید.

یکی از لذت‌های اهل بهشت این است که خداوند سبحان به بهشتیان می گوید: بیایید خانه‌هایی که در آتش جهنم داشتید و به آنجا نرفتید را ببینید و به اهل جهنم هم می گویند: بیایید و خانه‌هایی که در بهشت داشتید و از دست دادید را ببینید!

قرار دادن مکانی در بهشت و جهنم با آفرینش هر انسان

امام صادق(ع) فرمود که خدا هر کس را آفرید یک جایی در بهشت و یک جایی در جهنم برای او قرار داد. و وقتی بهشتی‌ها به بهشت و دوزخی‌ها به دوزخ رفتند، یک منادی صدا می کند که ای اهل بهشت تماشا کنید! اینها می آیند جایی که آتش دوزخ هست و دوزخ مشخص است، بعد به آنها می گویند: این جاهای شما در آتش جهنم بود، که قبلاً مقرر شده بود که اگر خدایی نکرده معصیت می کردید، اکنون اینجا بودید. در این لحظه بهشتیان این قدر خوشحال می شوند و لذت می برند که اگر مرگی بود، حتماً از شوق و لذت آن می مُردند که این آتش را خدا از آنها دور کرده است.

بعد سراغ دوزخیان می روند و ندا می شود که سرتان را بالا کنید و ببینید کجاها را در بهشت از دست دادید؟! آنگاه دوزخیان به بهشت نگاه می کنند، می بینند در بهشت چه جاهایی است که آنجا منزل آنها بوده است، اما چون اطاعت خدا را نکردند و معصیت نمودند این خانه‌های بهشتی را از دست داده‌اند. بعد به اهل بهشت خطاب می شود که این خانه‌های خالی را شما بگیرید و جای آنها بروید و به اهل جهنم هم می گویند شما هم آن خانه‌های خالی در جهنم را بگیرید.

بزرگترین لذت در دنیا و آخرت و لزوم شکر آن

لذت ما در دنیا و آخرت این است که ببینیم چه مشکلات و بدی‌هایی و چه وضعی بوده و گریبان دیگران را گرفته و خداوند ما را نجات داده

است، این خودش به تنهایی لذتی بزرگ است و باید شکر آن را نمود.

خوب است دعای سیفی را بخوانید که در این دعا به این مضامین اشاره شده است، که در دعا می خوانید: خدایا خیلی افراد هستند که جای بدی هستند و ولی مرا نجات دادی.

رسیدن به پوچی از نعمت های الهی

لذت دوم که در حدیث دیگری به آن اشاره شده این است که ما وقتی در دنیا از همه چیز فارغ شدیم و بدنمان کاملا از همه نعمت ها شاد و سر حال شد، بعد از آن یک احساس پوچی به انسان دست می دهید. یعنی بعد از این همه خوردن و خوابیدن و قدرتمند شدن، آخرش آن چه می شود؟ آخرش رسیدن به همین احساس پوچی است!

ماجرای اسکندر و درویش و رسیدن به هیچ

حتما غصه اسکندرمقدونی و درویش را شنیدید. روزی اسکندر با آن همه تشکیلات و نیروهایش از محلی حرکت می کرد و گفتند یک درویش آنجا خوابیده و با دیدن لکشر اسکندر اصلا از جایش حتی بلند هم نشد و به دستگاه و تشکیلات اسکندر نگاه هم نکرد! اسکندر گفت او را بیاورید و آن درویش آمد و به درویش گفت تو که هستی و چرا مرا احترام نمی کنی؟ و درویش هم به اسکندر گفت تو که هستی؟

اسکندر هم خودش را معرفی کرد و گفت من فاتح کشورها هستم و الان هم به مصر می روم تا آنجا را فتح کنم. درویش گفت خوب بعد از فتح مصر چه میکنی؟ اسکندر گفت بعد از مصر به آفریقا می روم تا آنجا را هم فتح کنم، بعد یکی یکی فتح کشورها را گفت تا تمام شد و فتحی دیگر نبود و درویش گفت حالا می خواهی بعد از این فتح ها چه کنی؟ اسکندر گفت دیگر هیچ! درویش هم گفت من همان هیچ عستم که تو آخرش می خواهی به این هیچ برسی!

رسیدن به پوچی در انتهای همه پیشرفت های دنیوی

گاهی وقت ها انسان وقتی پیشرفت می کند، انتهای این پیشرفت به هیچ می رسد. در اصل یک چیزی در دل او هست و او می خواهد به آن چیز برسد و نرسیده است و انسان خیال می کند، اگر پادشاه شود و امکانات داشته باشد، مثلا چیزی می شود! نه این نیست، اینها هیچ هستند و دل ما دنبال خدا است که قرآن هم می فرماید: «إِنَّ إِيَّائِنَا نَرْجُوا» (در حقیقت بازگشت به سوی پروردگار

توست. آیه ۸ سوره علق). بنابراین اگر به خدا رسیدید، دیگر فکر جای دیگر را نمی‌کنید و این رضای الهی مهمترین لذت بشر است.

درک لحظه ای از ارتباط با خدا / علت تمایل مجدد به رفتن حج و زیارت

ما در دنیا از طبقاتی هستید که از اولیاء الله نیستیم ولی از اعد الله هم نیستیم؛ در زندگی ما شده که لحظاتی ارتباط با خدا را درک کرده ایم و از آن لذت برده ایم ولی آن لحظه را یادمان رفته است. اکثر کسانی که حج مشرف می‌شوند، باز دوست دارند مجدد به حج بروند، از طرفی حج رفتن نیاز به پول دارد و در رفتن هم خطر هست، اما چرا این افراد که یک بار به حج رفته اند، باز تمایل دارند دوباره بروند؟!

من به این نتیجه رسیدم که این افراد وقتی که حج رفته بودند، آنجا در لحظه ای از لحظات حج عبادت را درک کرده و خدا هم یک مقداری به این بنده اش قرب خودش را چشانده و یک مقدار از پیمانۀ محبت به او داده است و این بنده نیز آن را چشیده است. بنابراین برای اینکه دوباره این لحظه را درک کنند، دنبال این هستند که دوباره به حج مشرف شوند. همچنین در کربلا رفتن و دیگر مکان های زیارتی نیز چنین است. در یک لحظه در زیارت یا راهپیمایی پیاده به سوی حرم امام حسین(ع) یک لحظه به آن لذت معنوی رسیده اید و طعم این لذت در دلتان باقی مانده و دوباره مشتاق این زیارت هستید.

اعطای نعمتی بیشتر به بهشتیان

حالا خدا به بهشتیان که می‌رسد، بعد از آن که باغ ها و حورالعین و نعمت های بهشتی را به آنها داده است، به آنها می‌گوید: آیا شما بهتر از این را هم فکر می‌کنید که به شما بدهم؟ و آنها می‌گویند: بهتر از این چه باشد که ما اکنون در همسایگی شما هستیم، دیگر چه می‌خواهیم! باز خداوند تکرار می‌کند آیا می‌خواهد باز چیزی دیگر به شما بدهم! بعد خداوند می‌فرماید: همین که من از شما راضی هستم، این بزرگترین نعمتی هست که من به شما داده ام. همه این نعمت های بهشت یک طرف و رضوان و رضایت الهی طرف دیگر که از همه مهمتر رضایت الهی است.

اهل بهشت بعضی گفتند: ما بهشت نمی‌خواهیم همین که نورت را به ما نشان دادی از همه بهتر است. و من یک چیز دیگر می‌گویم و عرض می‌کنم: ما اگر بهشت رفتیم و پرسیدیم آقا امام حسین(ع) کجاست؟ آقا

حضرت عباس(ع)، آقا علی اکبر(ع) کجا هستند؟ و خدایی نکرده گفتند: شما نمی توانید آنها را ببینید! فکر کنم دیگر نعمت های بهشت برای ما مهم نباشد، آن مهم است در دعای کامل و دیگر دعاها هست که خدایا ما را با خوبان محشور کن.

نحوه مناجات امام زین العابدین(ع) با خدا و دعای ایشان برای باران

آقا امام زین العابدین(ع) در یکی از مناجات های ۱۵ گانه در آخر یکی از این مناجات ها کلمه ای می گوید که انسان تکان می خورد؛ در آنجا می فرماید: « يَا زَعِيمِي وَ جَدِّتِي، وَ يَا دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي »؛ (ای نعمت و بهشت من، و ای دنیا و آخرتم. / مناجات هشتم: راز و نیاز ارادتمندان)

در یکی از سالها در مکه قحطی شد و باران نیامد، آب های چاه نیز خشک شدند و مردم سراسیمه پیش این آقا و آن آقا رفتند که نماز باران بخوانند و آنها هم خواندند اما خبری نشد! تا اینکه کسی به آنها گفت یک در را هنوز نزده اید و بروید در خانه آقا علی بن حسین(ع) و رفتند خدمت حضرت و ایشان مشرف به کعبه شدند و دو رکعت نماز خواندند و دو کلمه گفتند و فرمودند: خدایا من به دوستی که تو مرا دوست داری قسم می دهم و چون مرا دوست داری اینها را سیراب کن. هنوز کلمات آقا تمام نشده بود که ناگهان آسمان پر از ابر و باران شدید شروع به باریدن کرد که همه متعجب شدند.

عشق اصحاب امام حسین(ع) به آخر و عدم توجه به درد و زخم شمشیر

مثال دیگر شب عاشورا است؛ امام حسین(ع) در شب عاشورا تمام لشکر را جمع کردند و گفتند: ای اصحاب من هر کس می خواهد برود می تواند برود چون فردا من کشته می شوم و همه خانواده من نیز اسیر می شوند. یکی از دختران امام دید که عده ای در تاریکی دارند از سپاه جدا می شوند و می روند، تا اینکه این رفتن ها تمام شد و یک عده ماندند و حضرت گفت شما نمی خواهید بروید؟ که آنها گفتند کجا برویم ما هستیم و حتی اگر ۷۰ بار هم کشته شویم از شما جدا نمی شویم.

پس حضرت به آنها خطاب کرد به پشت خیمه ها بیایید، و آنجا حضرت جاهای آنها را در بهشت به آنها نشان داد و هر کس جای خود را دید. فردا صبح که جنگ شروع شد در روایات هم داریم که اصحاب امام اصلا زخم را در بدن احساس نمی کردند، به نظر من اینها از بس عاشق

بودند و توجه آنها به آخرت بود که این زخم ها را متوجه نمی شدند و برای آنها عادی بود.

بنابراین این لذت از همه لذت ها مهمتر است، حتی اگر شد در دنیا این لذت ها را کسب کنید، اگر هم نشد سعی کنید در آخرت آن را از خدا درخواست کنید.

چگونگی دعا کردن / در دعا چه بگوییم؟

در حاشیه یک توصیه می کنم که وقتی دعا می کنید، یک سری لیست را به خدا می گوید که مثلاً آنها را به شما بدهد. خوب اشکال ندارد؛ اما آخرش این را اضافه کنید که خدایا یک چیزی به من بده که من آن را نمی دانم و به درد من می خورد و تو آن چیز را میدانی که آن چیز به درد من می خورد پس آن را هم به من بده. ما جاهل هستیم و خیلی از نعمت ها و لذت های الهی را نمی دانیم و حتی اصلاً به فکر ما نرسیده که آنها را از خدا بخواهیم.

ظرف های بهشت، کوزه های شیشه ای از نقره

در آیه بعد خداوند می فرماید: «قَوَّارٍ يَرِي مِّنْ فِضِّ سَهٍ قَدَّرُوهُمَا تَقْدِيرًا»؛ (جامه‌ایی اکه درست به اندازه آنها را از کار در آورده اند، آیه ۱۶ سوره انسان) در بهشت کوزه های شیشه ای است که این کوزه ها از نقره است که این کوزه ها شفاف هستند و شیشه به آن می گویند؛ آن طرف نقره و این طرف شیشه است. بعضی از مفسیرین گفتند وقتی انسان تشنه است و آب می خواهد، یک مقدار کم یا زیادتر می آورند. اما در بهشت هر چه شما خواستید به همان مقدار که اشتها دارید در آن کوزه و پیمانہ ریخته می شود.

دادن شربتی از زنجبیل به بهشتیان

در آیه بعد به محتوای این جام ها اشاره شده و می فرماید: «وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرْزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا»؛ (و در آنجا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد به آنان می نوشانند، آیه ۱۷ سوره انسان) زنجبیل ریشه یک درختی است که نشاط آور است و آن را خدا به آنها می دهد و هر چه از زنجبیل است، زنجبیل در دنیا یک مقدار تند است، اما زنجبیل آخرت تند نیست و خیلی هم گوارا است و در دهان گیر نمی کند.

جوان هایی که هرگز پیر نمی شوند

بعد می فرماید: « عَيِّنَا فِيهَا تَسْمِي سَلْسَبِيلًا ؛
وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَوْهُمُ
حَسِبَتْ لَهُمُ لُؤْلُؤًا مَّنْثُورًا »؛ (از چشمه ای در آنجا که
سلسبیل نامیده می شود، آیه ۱۸ سوره انسان؛ و بر گرد آنان پسرانی
جاودانی می گردند چون آنها را بینی گویی که مرواریدهایی
پراکنده اند، آیه ۱۹ سوره انسان) خدا یک بشری خلق کرده که جوان
هایی هستند که پیر نمی شوند و در همان حالت می مانند و همیشه
جوان هستند.

و خدا خیلی زیبا فرموده که وقتی این جوان های سفید عین مروارید
در بهشت سر سبز پخش هستند، مثل یک مقدار مروارید می مانند که در
زمین پخش شده است.

پدیدآورنده:

به قلم: امیرمحسن سلطان احمدی

www.soltanahmadi.ir

توصیه آیت الله العظمی مدرس (دام ظلّه) برای دعا کردن

در دعا به خداوند چه بگوییم؟!

ما جاهل هستیم و فیلی از نعمت ها و لذت های الهی را نمی دانیم
و حتی اصلا به فکر ما نرسیده که آن را از خدا بخواهیم!
پس وقتی دعا می کنید،

در کنار دیگر خواسته هایتان به خدا بگویید:

فرا یا

یک چیزی به من بده که من آن
را نمی دانم و به درد من می خورد،
و تو آن را می دانی! پس آن را به من بده.

سلسله جلسات تفسیر و تدریس سوره انسان

مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیت الله العظمی سید محمد تقی مدرس (دام ظلّه)

تهران - جلسه نهم - چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۸

www.soltanahmadi.ir/3437



صفحه اینستاگرام:

https://www.instagram.com/soltanahmadi_ir